

كَلَامُ الْإِسْلَامِ



واحد علوم تحقیقات شاهرود

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A.»

گرایش: خصوصی

عنوان:

بررسی تطبیقی روابط مالی زوجین در حقوق ایران و انگلیس

استاد راهنما:

دکتر علیرضا حسنی

استاد مشاور:

دکتر مهدی ذوالفقاری

نگارش:

معصومه محمودی

تابستان ۱۳۹۲



منشور اخلاق پژوهش

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشجویان و اعضاء هیئت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می‌گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت‌های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان‌ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم‌ها و حرمت‌ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیرحرفه‌ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه‌های غیر علمی می‌آلایند.



فرم تعهد نامه اصالت رساله یا پایان نامه

اینجانب معصومه محمودی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته حقوق گرایش خصوصی که در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۴ از پایان نامه خود با عنوان: « بررسی تطبیقی روابط مالی زوجین در حقوق ایران و انگلیس » با نمره ۱۹/۲۵ و درجه عالی دفاع نموده ام، بدین وسیله متعهد می‌شوم:

۱. این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، و مقاله) استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده‌ام.
۲. این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین‌تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه‌ها و موسسات عالی ارائه نشده است.
۳. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هر گونه بهره‌برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت و اختراع و... از این پایان نامه را داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد شاهرود مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم و در صورت ارائه مقاله در همایش‌ها و مجلات با ذکر نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود در کنار نام نویسندگان به نحوی که تعلق اثر به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود کامل مسجل باشد حقوق دانشگاه را رعایت نمایم.
۴. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می‌پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق با ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی‌ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

تاریخ و امضاء:

تقدیم به

ارزشمندترین سرمایه های زندگی

ام

پدر و مادر بزرگوارم

... آنانکه با فروغ نگاهشان و گرمی

کلامشان همواره راهنما و پشتیبان من

بودند.

سپاسگذاری

بی عنایات ذات لا یزال، جد و جهد آدم خاکی راهی نیوید و سودی نجوید. ایزد منان را سپاسگذارم که توفیق داد تا در راه دانش گام نهاده و تلاشی هرچند اندک بنمایم. بر حسب وظیفه بر خویش واجب دانسته تا راهنمایان راهم را تقدیر نمایم و از راهنمایی های دلسوزانه استاد راهنمای بزرگوارم جناب آقای دکتر علیرضا حسنی که از هیچ تلاشی برای ترقی و تعالی این حقیر دریغ ننموده و همواره مشوق من در راه کسب دانش بوده اند تقدیر نمایم که بی شک هر چه دارم از اوست. همچنین از ارشادات دلسوزانه استاد مشاورم جناب آقای دکتر مهدی ذوالفقاری که در این مدت زحمات ارزنده ای متحمل شده اند تقدیر می کنم.

فهرست مطالب

۱	چکیده
	فصل اول کلیات
۳	۱-۱ مقدمه: بیان مسأله:
۳	۲-۱ پیشینه تحقیق
۳	۳-۱ سوالات
۴	۴-۱ فرضیات تحقیق
۴	۵-۱ روش تحقیق
۴	۶-۱ هدف از تحقیق
۴	۷-۱ ساختار تحقیق
۵	۸-۱ حق
۵	۱-۸-۱- مفهوم و مراد «حق» و «حقوق»
۱۰	۲-۸-۱- حقوق مالی
۱۱	۳-۸-۱- حقوق مالی زن و شوهر از دیدگاه اسلام
۱۲	۴-۸-۱- حقوق اقتصادی زنان در قوانین انگلستان
۱۳	۵-۸-۱- وضعیت اقتصادی زن طبق قانون جدید
۱۴	۶-۸-۱- زوجیت
۱۴	۱-۶-۸-۱- انواع ازدواج از نظر شریعت اسلام:
۱۴	۲-۶-۸-۱- مفهوم ازدواج:
۱۶	۳-۶-۸-۱- تعریف ازدواج
	فصل دوم نفقه زوجه و مهریه
۱۷	۱-۲- تعریف و ماهیت نفقه
۲۰	۲-۲- ماهیت حقوقی نفقه
۲۰	۱-۲-۲- مبحث تاریخی
۲۰	۲-۲-۲- تعریف نفقه
۲۱	۳-۲-۲- تعریف نفقه در حقوق ایران
۲۱	۱-۳-۲-۲- تعریف نفقه زوجه
۲۲	۲-۳-۲-۲- تعریف نفقه اقارب
۲۲	۳-۳-۲-۲- نفقه اولاد
۲۲	۴-۳-۲-۲- نفقه پدر و مادر و اجداد
۲۳	۳-۲- مواد قانونی نفقه، نفقه از دیدگاه قرآن و روایات
۲۳	۱-۳-۲- نفقه در قانون مدنی

۲۴	۲-۳-۲- نفقه از دیدگاه قرآن.....
۲۵	۲-۳-۳- نفقه از دیدگاه روایات.....
۲۶	۲-۳-۴- اسباب نفقه در حقوق ایران.....
۲۹	۲-۴-۴- اجزاء نفقه و نحوه پرداخت آن.....
۲۹	۲-۴-۱- چگونگی محاسبه میزان نفقه.....
۲۹	۲-۴-۲- انواع و مقدار نفقه.....
۳۰	۲-۴-۳- حد و مقدار نفقه زوجه (دیدگاه فقهای امامیه).....
۳۱	۲-۴-۴- مقدار نفقه زوجه در آیات و روایات.....
۳۴	۲-۴-۴-۱- مقدار پرداخت نفقه در روایات.....
۳۵	۲-۴-۵- روش‌های پرداخت نفقه.....
۳۶	۲-۴-۶- نحوه مالکیت زن بر نفقه.....
۳۸	۲-۴-۷- نفقه در مدت عقد و قبل از ازدواج.....
۳۸	۲-۴-۸- ویژگیهای نفقه همسر.....
۳۹	۲-۴-۸-۱- مقدم بودن نفقه زن بر نفقه دیگر اقارب.....
۳۹	۲-۴-۸-۲- دین محسوب شدن نفقه زن.....
۳۹	۲-۴-۸-۳- نفقه زن تهاتر نا پذیر است.....
۴۰	۲-۴-۸-۴- تقاص پذیر بودن نفقه زن.....
۴۰	۲-۴-۸-۵- با انحلال زوجیت نفقه ساقط نمی شود.....
۴۰	۲-۴-۹- نفقه حق است یا حکم؟.....
۴۰	۲-۴-۹-۱- تعریف حق و حکم.....
۴۱	۲-۴-۹-۲- قابلیت اسقاط و انتقال حق و حکم.....
۴۲	۲-۴-۱۰- نفقه زوجه در حقوق انگلیس.....
۴۵	۲-۴-۱۱- شرایط وجوب نفقه.....
۴۶	۲-۴-۱۱-۱- ترک منزل از ناحیه زن و تعلیق نفقه.....
۴۶	۲-۴-۱۱-۲- نفقه در نکاح موقت.....
۴۷	۲-۵-۵- تمکین.....
۴۷	۲-۵-۱- تعریف تمکین.....
۴۸	۲-۵-۲- انواع تمکین.....
۴۸	۲-۵-۳- فرق عدم تمکین با نشوز:.....
۵۰	۲-۵-۴- تمکین و انفاق در مورد زوجه صغیر.....

۵۰	۶-۲-ضمانت اجرای مدنی.....
۵۱	۷-۲-ضمانت اجرای کیفری.....
۵۱	۲-۷-۱-ضمانت اجرای کیفری پرداخت نکردن نفقه زنان.....
۵۳	۲-۸-نفقه زوجه و مقررات مربوط به آن.....
۵۴	۲-۹-برقراری نفقه در دادگاه.....
۵۴	۲-۹-۱-دادگاه بخش:.....
۵۵	۲-۹-۲-دادگاههای عالی و استان.....
۵۶	۲-۱۰-ضمانت اجرای نفقه زوجه در حقوق انگلستان.....
۵۸	۲-۱۱-تاریخچه مهر.....
۵۸	۲-۱۲-معنای لغوی مهر.....
۵۹	۲-۱۳-فلسفه تشریح مهر.....
۶۶	۲-۱۴-انواع مهر و شرایط آن.....
۶۶	۲-۱۴-۱-انواع مهر.....
۶۶	۲-۱۴-۲-شرایط مهر.....

فصل سوم اجرت المثل خدمات زوجه و نخله

۶۸	۳-۱-اجرت.....
۶۸	۳-۲-موارد و شرایط اجرت المثل.....
۶۸	۳-۲-۱-موارد اجرت المثل.....
۷۶	۳-۳-شرایط اجرت المثل.....
۷۶	۳-۳-۱-جایگاه حقوقی اجرت المثل.....
۷۸	۳-۴-مبانی فقهی اجرت المثل.....
۷۸	۳-۴-۱-قاعده احترام مال و عمل مسلم.....
۷۸	۳-۴-۲-بررسی بند الف تبصره ۶ ماده واحده طلاق.....
۷۹	۳-۵-زمان مطالبه حق الزحمه (اجرت المثل).....
۷۹	۳-۵-۱-شرایط استحقاق اجرت المثل.....
۸۴	۳-۶-نخله.....
۸۶	۳-۷-مفهوم و ماهیت بخشش.....
۸۷	۳-۸-مبنای حقوقی.....
۸۸	۳-۹-نقد و ارزیابی.....

فصل چهارم ارث زوجه

۹۰	۴-۱-ارث.....
۹۰	۴-۲-ارث و اقسام وراثت.....
۹۱	۴-۳-کیفیت تقسیم اموال متوفی.....

۹۲ ۴-۴- ماهیت و ویژگی‌های حقوقی ارث
۹۲ ۴-۵- مستندات فقهی ارث
۹۳ ۴-۶- حقوق زوجه در ارث
۹۳ ۴-۷- میزان ارث زوجه
۱۰۰ ۴-۸- میراث زوجه در ایران قبل از اسلام
۱۰۰ ۴-۹- نظر کلی اسلام درباره میراث زن
۱۰۱ ۴-۱۰- فرض زوجه
۱۰۱ ۴-۱۱- اموال موضوع ارث زوجه
۱۰۲ ۴-۱۲- محرومیت زوجه از بعضی اموال و آراء مختلف فقها
۱۰۳ ۴-۱۳- نظر قانون مدنی

فصل پنجم نتیجه گیری

۱۰۸ پیشنهادات
۱۰۹ منابع

چکیده

یکی از مباحث مهم در حقوق مدنی ایران مبحث نکاح و قواعد مربوط به آن است. جایگاه والای خانواده بعنوان با هویت ترین نهاد اجتماعی از دیرباز و خصوصاً قرون اخیر موقعیت و مقام ممتازی را در بین کلیه ی تأسیسات حقوقی نوین احراز کرده است. اهمیت خانواده و مسائل مربوط به نکاح در مجادله ی بی امان و مستمر تاریخ ملتها به حدی است که هیچیک از مکاتب، سیاسی، اجتماعی و فلسفی از پرداختن به آن بی نیاز نبوده اند. اهمیت خانواده سالم و مقتدر در حفظ قدرت و پیشرفت اقتصاد و فرهنگ جامعه نقش بسزایی را ایفا می کند. مطالعه تاریخ نشان میدهد که دولتهایی موفق بوده اند که ارکان اساسی خانواده در آن جامعه ها محکمتر و استوارتر بوده است. اهمیت اجتماعی خانواده باید محرک قانونگذار در حمایت از آن باشد و هر قاعده ای که قانونگذار در این باره میتواند در تحکیم یا تضعیف آن مؤثر باشد.

با انعقاد عقد نکاح، حقوق و تکالیفی بر طرفین (زوجه و زوج) بار میشود که از آثار بسیار مهم نکاح میتوان به آثار مالی و آثار غیرمالی آن اشاره کرد. آثار مالی عقد عبارتند از: نفقه، مهریه، اجرت المثل و ارث و آثار غیرمالی عبارتند از: ریاست زوج، ایجاد تکلیف مشترک (حسن معاشرت، معاضدت و وفاداری) تکلیف زوجه به تمکین عام و خاص و تکلیف زوج به تعیین مسکن. یکی از مسائلی که به عنوان تبعیض بین زن و مرد عنوان گردیده، روابط حقوقی میان زن و شوهر است. برخی در این باره ابراز داشته اند که بسیاری از قوانین فقهی بین زن و مرد تبعیض قائل شده است. باید خاطر نشان کرد که زوجه بر اساس قوانین و حقوق ایران در دارایی خود استقلال خواهد داشت و مستند به ماده ۱۱۸ ق.م.میتواند هر گونه تصرفی در دارایی خود داشته باشد. لذا در این نوشتار سعی بر آن شده است که با توجه به نارساییها و کمبود و اشکالات مقررات و قوانین در خصوص روابط مالی زوجین مورد بررسی قرار گیرد. هدف اساسی این رساله، بررسی تطبیقی روابط مالی زوجین در حقوق ایران و حقوق انگلیس و تبیین برجستگیهای قوانین اسلام در این زمینه است.

کلید واژه: زوجیت، روابط مالی، حقوق مالی، نفقه، مهریه، اجرت المثل، ارث

فصل اول

كلیات

۱-۱ مقدمه: بیان مسأله:

حقوق خانواده یکی از مباحث مهم حقوق مدنی را تشکیل می دهد. بخشی از قانون مدنی و سایر قوانین خاص به این موضوع اختصاص یافته است. حقوق زن از جمله حقوق زوجه به مالی و غیر مالی تقسیم می شود. حقوق مالی زن را می توان ناظر به زمان زوجیت یا مربوط به بعد از طلاق دانست.

موضوع رساله حاضر بررسی تطبیقی روابط مالی زوجین در حقوق ایران و انگلیس است. ضمن آن می خواهیم بررسی کنیم با انعقاد عقد نکاح چه امتیازات مالی برای زن وجود دارد. این پژوهش در حقوق دو کشور ایران و انگلیس صورت می گیرد. از آنجا که نظام حقوق ایران به سیستم رومی-ژرمنی نزدیک است و نظام حقوقی انگلیس از سیستم کامن لا پیروی می کند، مطالعه دو رژیم متفاوت احکام. حقوق مقرر برای زوجه را آشکار می سازد.

مطالعه حقوق مالی زوجه در کشور انگلیس با دشواریهای زیادی روبرو بوده و فقدان منابع فارسی حقوقی انگلیس و تفاوت ساختاری نهاد های حقوقی مورد مطالعه در حقوق ایران و انگلیس از جمله مشکلات تحقیق بود که با عنایت پروردگار متعال و مساعدت اساتید محترم راهنما و مشاور و بضاعت علمی اندک اینجانب انجام یافت.

۱-۲ پیشینه تحقیق

در خصوص این تحقیق باید گفت که در این رابطه و به صورت کامل تحقیقی صورت نگرفته و بعضاً چند مقاله و اشاراتی در کتب حقوقی استادان به چشم میخورد

۱-۳ سوالات

۱- تعیین مقدار نفقه به حال کدام یک از زوجین بستگی دارد و آنچه زوجه به عنوان نفقه استحقاق دریافت آن را دارد (پیدا میکند) چه ماهیت حقوقی دارد؟

۲- افزایش مهریه یا تعیین مهریه سنگین را میتوان راهی برای جبران نقص ارث زوجه (مکمل سهم الارث زوجه) و کارساز دانست؟ امکان تغییر در میزان سهم الارث زوجه از ماترک زوج میباشد؟

۳- در روابط زوجیت، زوج دارای حقوق مالی می باشد؟

۴-۱ فرضیات تحقیق

با توجه به سوالات تحقیق فرضیات آن به شرح زیر است:

۱- از لحاظ فقهی و حقوق ایران میزان نفقه با توجه به میزان استطاعت مالی زوج در نظر گرفته میشود لیکن در مواردی حال زوج مد نظر می باشد از نظر حقوقی انفاق در حق زوج ماهیت تملیک دارد.

۲- با توجه به مذمت افزایش مهریه سنگین در شرع مقدس اسلام و عدم تأدیه آن از سوی زوج به لحاظ اعسار میتوان به راه حلهای فرعی توسل جست تا زوج بعد از مصیبت فوت زوج دچار مصیبت و عسرت مالی نگردد. در شرع مقدس اسلام با توجه به اینکه سهم الارث زوجة نشأت گرفته از قرآن میباشد امکان تعدیل آن (افزایش آن) مقدور نمیشود.

۳- در مورد حقوق مالی زوج به نظر میرسد فقط به صورت درج شرط ضمن عقد بتواند از این حق منتفع شود

۱-۵ روش تحقیق

روش به کار گرفته شده در این تحقیق از نوع کتابخانه ای است. بدین سان که با مراجعه به کتابخانه دانشگاه های مختلف در خصوص موضوع اطلاعات گرفته شده است.

۱-۶ هدف از تحقیق

هدف از این تحقیق بررسی روابط مالی در دو نظام حقوقی با مناسی متفاوت و نظام حاکم بر روابط مالی زوجین در نظام حقوقی ایران و انگلیس میباشد و پیشنهاد و ارائه راهکار و اثبات یا نفی فرایض فوق الاشاره با تأسی از قوانین و شریعت در زمینه موضوع تحقیق حاضر نیز میباشد.

۱-۷ ساختار تحقیق

مطالب مندرج در این تحقیق در پنج فصل به رشته تحریر درآورده شده که در فصل اول به تعاریف و مفاهیم و انواع حقوق که هرکدام مشتمل بر چند گفتار می باشد پرداخته شده است. در فصل بعدی به مطالعه نفقه زوج و تطبیق آن با حقوق انگلیس و مهریه پرداخته ایم.

فصل سوم به بررسی اجرت المثل و نحلہ اختصاص یافته در فصل چهارم ارث مورد مطالعه می باشد. در فصل پنجم به نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات پرداخته ایم.

۱-۸-۸-حق

۱-۸-۱- مفهوم و مراد «حق» و «حقوق»

حق از جمله واژگان انتزاعی است که نباید معطل تعریف آن ماند، چرا که هر وجدان متعارفی حق را می‌فهمد و از غیر آن می‌تواند تمیز دهد. اگرچه در مقام شناسایی مصداق ممکنست چالش برانگیز باشد ولی هر فطرت و سرشت انسانی، گواه مطلوبیت و احتشام آنست «ترازوی در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده که کارکرد آن شناسایی حق است و با استفتا از جان می‌تواند در مقام کشف حق بر آید. البته از بعد علمی باید حدود و جغرافیای اقلیم حق را شناخت تا در پرتو آن، نظام حق و تکلیف را به شیوه ای که بیشترین انطباق را با میزان درون «فطرت الله» و ترازوی برون «و لا تطغوا فی المیزان» در عالم خلقت، منطبق کرد. ذیلاً به کالبد شکافی مفهوم و مراد حق -حقوق می‌پردازیم.

در لغت: «حقوق» جمع «حق» است «واژه «حق» در ادب پارسی به معنی درست، ثابت، سزا و سزاوار و عدل آمده است.

حق را به معنای ثبوت، ضد باطل، وجوب موجود ثابت، مطابقت و موافقت و نیز قرار گرفتن چیزی در موضع خودش [که آن موضع برای وی در نظر گرفته شده] گفته‌اند فرهنگ زبان عمید از حق به معنای راست، درست، ضد باطل، ثابت، واجب، کاری که البته واقع شود... یاد شده است.

این واژه در ادبیات محاوره‌ای به صورت اسم به کار برده می‌شود، در قالب صفت نیز کاربرد دارد. در لسان عرب نیز گاهی به صورت فعل به کار می‌رود، به صورت مصدر و اسم مصدر نیز استعمال می‌شود. راغب اصفهانی می‌گوید: همچنین به معنی گفتار و کردار مطابق با آنچه باید و شاید «بعضی دیگر از دانشمندان و اهل لغت گفته‌اند: «با استقرار کردن در مواردی که کلمه حق در آن‌ها به کار رفته چنین استنباط می‌شود که حق در اصل به معنی ثبوت است. و همه معانی حق به ثبوت برمی‌گردد.» بر این اساس حق عبارتست از هر امر ثابت، اعم از واقعی و نسبی «حق بر ملک و بهره معین شخصی نیز اطلاق می‌شود ۱» این نیز به خاطر ثبوت و تحقق آن است که به حکم قانون یا قرارداد معتبر، ثابت و معین گردیده است. «باطل» نیز در برابر هر یک از معانی مختلف «حق» قرار می‌گیرد و معنی متناسب با خود را دارد.

دکتر جعفری لنگرودی در کتاب ترمینولوژی حقوق ذیل واژه حقوق، معانی ذیل را به کار برده است:
الف) جمع حق به معنی حق جزئی و حق کلی است. این اصطلاح در فقه و در حقوق جدید به کار رفته است.

۱ - کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، چاپ سوم، ص ۵۰.

ب) به معانی علمی که از قوانین موضوعه بحث می‌کند ولو این که به طور استطراد از حقوق طبیعی هم بحث نماید. این اصطلاح در فقه سابقه ندارد و ترجمه اصطلاحات غربی است. در رشته حقوق اداری به معنی اجرت کار کارمند دولت است... حقوق به غلط در مقابل جزا به کار رفته و می‌رود. الف) اموری که در قانون پیش‌بینی شده اگر افراد مجاز باشند که به قصد خود برخی از آن‌ها را تغییر دهند، این امور قابل تغییر را حق گویند... حق به این معنی در مقابل حکم قرار می‌گیرد. ب) نوعی از مال است و در این صورت در مقابل دین، عین، منفعت و انتفاع بکار می‌رود... ج) قدرتی که از طرف قانون به شخص داده شده حق نامیده می‌شود «در فقه در همین معنی کلمه سلطه را به کار می‌برند. حق در این معنی دارای ضمانت اجراست و آن را حق تحقیقی - و حقوق موضوعه و حقوق مثبتة نیز گفته‌اند ۱.

در اصطلاح: حقوق بر معانی مختلفی اطلاق می‌شود که هر چند بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند ولی در عین حال وجوه تمایز آن‌ها موجب می‌شود که این کلمه را مشترك لفظی بدانیم «حقوق بار معنایی خاصی متبادر به ذهن می‌سازد و عموماً در حوزه‌های متنوعی کاربرد پیدا می‌کند» «البته حقوق نیز چون دیگر مضامین و مفاهیم انتزاعی در علوم اجتماعی فاقد تعریف مطلق و واحد و جامع و مانعی است» «تکثر خاستگاه‌های مکاتب فکری و نظری و فلسفی و اجتماعی از يك سو و پیچیدگی و گسترش پیوندهای حقوقی از دیگر سو، این دشواری را فرا روی ما نهاده است و حقوق‌دانان هنوز که هنوز است در جستجوی معادل‌سازی حقوق برابر تصور خویشند.

دکتر ناصر کاتوزیان معتقد است: «حق امتیاز و نفعی است که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او نوعی تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد.» یا «سلطه و اختیاری است که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آن‌ها می‌دهد ۲» همچنین گفته شده است حق در معنای عام تمام احکام تأسیسی و امضائی را شامل می‌شود اما در معنی اخص در مقابل حکم قرار می‌گیرد «و هو عبارة عن مرتبة ضعيفة من الملك... فان الحق مجعوله زمامها بيد ذي الحق فلا القدرة علي الاعمال و الاسقاط» همچنین ارکانی برای حق برشمرده شده که به قرار زیر است:

۱- حق از سنخ امتیاز و نفع است که به سود صاحب آن برقرار می‌شود. ۲- حق به سوی شخص تعلق می‌یابد و قائم به اوست. ۳- برای ایجاد حق حمایت حقوق از آن ضروری است. ۴- تعلق حق به شخص

۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوقی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۸، چاپ چهارم، صص ۳۱۲ و ۳۱۳

۲- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده)، نشر میزان، ۱۳۸۷، چاپ ششم، ص ۱۶۰

با توان و اختیار تصرف او ملازمه دارد. همچنین گفته شده «حق توانایی است که به اراده اشخاص داده شده است» یا «حق نفعی است که از نظر حقوقی حمایت شده است» و....

پرواضح است که ارائه تعریف حصری و منطقی از این مفهوم اعتباری، دور از دسترس است اما پشتوانه تمامی این تعاریف، گوهر مشترکی است که درک مشابهی را از این مفهوم به اذهان متبادر می‌سازد.

با عنایت به این که انسان، با اوصاف فردی خود، در عین حال عضو جامعه نیز می‌باشد انتظار می‌رود که حقوق به عنوان هنجار اجتماعی، این امکان را فراهم سازد تا بر اساس آن، فرد وضع خود را سر و سامان دهد و استعداد طبیعی خویش را به کار اندازد. به عبارت بهتر، حقوق نوعاً در چارچوب‌های اجتماعی شکل می‌گیرد «اما همیشه این فرد انسان است که در زمان و مکان معین و در محدوده‌ها و شرایط خاص، در روابط خود با دیگران، از آن بهره‌مند می‌شود.

به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که حقوق صرفاً دارای فرایند نوعی نیست» بلکه حسب مورد، در عین برخورد آن با آزادی فرد، ضمن اعتراف به این آزادی، با در نظر گرفتن نظم اجتماعی، مورد توجه قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، نظم حقوقی نمی‌تواند جدای از فرد و با آن غیر منعطف باشد» بلکه، این نظم عبارت از هم‌سازی در جامعه‌ای است که افراد آزاد با قرارداد اجتماعی، آن را به وجود آورده‌اند. هرچند که کلی و غیر شخصی بودن از اوصاف حقوق به شمار می‌رود اما انسان، خود به خود در مواجهه با محدودیت‌های حاکم، در سازماندهی جامعه مشارکت دارد. به طور ضمنی می‌توان نتیجه گرفت که این محدودیت‌ها ناشی از دوگانگی سرشت انسانی است که در عین اجتماعی بودن، انسانی مستقل است. به عنوان انسان اجتماعی، فرد فعالیت خود را کاملاً تابع قواعدی می‌بیند که در آن، حقوق در موضع ایجاد نظم، مفهوم پیدا می‌کند و آزادی‌های او تابع شرایط زمان و مکان و نوسانات اجتماعی خواهد بود. اما، به محض این که آزادی ذاتی و اجتناب‌ناپذیر حیات فردی انسان مطرح باشد، آمریت حقوق نوعی، دیگر موضوعیت نخواهد داشت و اصالت فرد برتر از اصالت جامعه خواهد بود. امروزه واژه «حقوق» استعمالات و کاربردهای متفاوتی دارد. این کاربردها و معانی گوناگون هرچند بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند، ولی از برخی جهات از یکدیگر متمایزند:

«حقوق» به معنای دست مزد و حق‌الزحمه: مثلاً، گفته می‌شود: «حقوق کارمندان دولت». منظور از آن دست مزدی است که این افراد به طور ماهانه از دولت دریافت می‌کنند.

۲) حقوق عبارت است از: مجموعه قواعد و مقرراتی که بر روابط افراد يك جامعه در زمان معین به‌کاربرده می‌شود. به دیگر سخن، حقوق مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهایی است که اعضای يك جامعه

ملزم به رعایت آن هستند و دولت ضمانت اجرای آن را به عهده دارد؛ مانند: حقوق ایران، حقوق مصر. تقریباً همه جوامع انسانی از گذشته تاکنون به نوعی با این الزام‌های حقوقی همراه بوده‌اند. در این معنا، از نظر اسلامی، واژه «شرع و شریعت» به کار می‌رود؛ چنان که می‌گویند: «شرع موسی» یا «شرع اسلام» به دلیل آن که از دیدگاه اسلامی، منشأ حق، خداوند متعال است، در تعریف «حقوق» گفته شده است: «حقوق عبارت از است: مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تأمین سازد».

«حقوق» در این معنا، جمع «حق» نیست، «بلکه با آن همچون کلمه ای مفرد معامله می‌کنند. گویا مجموعه احکام و مقررات حاکم بر يك جامعه را يك واحد اعتباری دانسته، نام «حقوق» بر آن نهاده‌اند... حقوق در این معنا، با «قانون» مرادف است؛ مثلاً، به جای «حقوق اسلام» یا «حقوق روم» می‌توان گفت: «قانون اسلام» یا «قانون روم».

۳) «حقوق» جمع کلمه «حق»؛ بنابراین، «حقوق» به معنای امتیازات و ویژگی‌های هر یک از افراد يك جامعه است که گاه از آن به «حقوق فردی» تعبیر می‌شود؛ مانند: حق حیات، حق مالکیت، حق ابوت، حق بنوت و حق زوجیت.

در این حالت، واژه «حق» از نظر ادبی حالت جمعی داشته و از نظر معنا نیز جمع می‌باشد، در حالی که «حقوق» در اصطلاح دوم، تنها از نظر ادبی و ظاهر دارای حالت جمعی است و از نظر مفهوم، دارای حالت «اسم جمع» می‌باشد.

۴) «حقوق» به معنای «علم حقوق» که منظور از آن «دانش حقوق» است و در مقابل سایر علوم و دانش‌ها به کار می‌رود؛ مانند: علم روان‌شناسی و علم جامعه‌شناسی. در اسلام، در این معنا واژه «فقه» را به کار برده‌اند. کسی که این دانش را دارد، او را «فقیه» می‌نامند.

حقوق ایران ارتباط زیادی با دانش فقه دارد. «قانون مدنی ایران»، که دارای ۱۳۳۵ ماده است، عمدتاً از فقه شیعه اخذ شده و مباحث عمده آن عبارت از: اموال، اسباب تملك (احیای اراضی موات و حیازت اشیای مباحه، عقود و معاملات و الزامات)، وصایا و ارث، اشخاص، ازدواج، طلاق، اولاد، خانواده، حجر، قیمومیت، اقرار و شهادت (گواهی).

همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در لزوم انطباق کلیه قوانین با موازین اسلامی می‌گوید: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد و این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

در زبان فارسی واژه‌ی حقوق به معانی گوناگون به کار می‌رود^۱ که از جمله مهم‌ترین آن‌هاست:

۱- مجموع قواعدی که بر اشخاص، از این جهت که در اجتماع هستند، حکومت می‌کند:

انسان موجودی است اجتماعی که میان همگان خود به سر می‌برد. به حکم طبیعت، شخص در اجتماع کوچک پدر و مادر زاده می‌شود و در سایه مراقبت و تربیت این گروه نیازهای مادی و معنوی خویش را تأمین می‌کند. ولی، پس از دوران کودکی نیز او با دیگران زندگی می‌کند و با همکاری آنان به خواست‌های خود می‌رسد.

از سوی دیگر، خواسته‌های آدمیان به حکم فطرت با هم شباهت زیادی دارد. کم و بیش همه یک چیز را طالبند. پس، نزاع بر سر جلب منافع بیشتر و تأمین زندگی بهتر در می‌گیرد.

انسان اندیشمند از آغاز خودشناسی دریافت که بقای اجتماع او با آشوب و زورگویی امکان ندارد و ناچار باید قواعدی بر روابط اشخاص، از جهتی که عضو جامعه‌اند، حکومت کند و ما امروز مجموع این قواعد را حقوق می‌نامیم.

۲- برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کس امتیازهایی در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او می‌بخشد. این امتیاز و توانایی را «حق» می‌نامند که جمع آن حقوق است و «حقوق فردی» نیز گفته می‌شود: حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل و حق زوجیت به اعتبار معنی اخیر است که گاه با عنوان «حقوق بشر» مورد حمایت قرار می‌گیرد. ولی، واژه حقوق، به معنی نخست، همیشه با ترکیب جمع به کار می‌رود و برای نشان دادن مجموع نظام‌ها و قوانین است: مانند حقوق ایران، حقوق مدنی، حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام.

۳- حقوق معانی دیگری هم دارد: برای مثال، وقتی سخن از حقوق کارمندان دولت یا حقوق دیوانی می‌شود، مقصود دستمزد کارکنان و پولی است که دولت بابت ثبت اسناد رسمی از دو طرف معامله می‌گیرد. این معانی، که بیشتر در امور مالیاتی و حقوق اداری به کار می‌رود، در واقع از شاخه‌های «حق» است که رنگ اصطلاح پذیرفته است.

۴- گاه مقصود از واژه «حقوق» علم حقوق است، یعنی دانشی که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول و زندگی آن می‌پردازد. «دانشکده حقوق» و شعبه‌های گوناگون حقوق (مانند حقوق مدنی و اساسی و کیفری) از شایع‌ترین موارد استعمال همین معنی است.

۱- معین، محمد، فرهنگ معین، ۶ ص ۲۱۱۳

۱-۸-۲-حقوق مالی

حقوق به اعتباری دو دسته‌اند: مالی و غیرمالی. حقوق مالی، حقوقی‌اند که متعلقشان مال باشد، خواه آن مال عین باشد، یا منفعت «نظیر حق انسان نسبت به اموال و املاک خود و حق مستأجر بر منافع عین مستأجره. هم چنین، گاهی مال موضوع حق، دین است که اصطلاحاً به آن «حقوق دینی»^۱ گفته می‌شود. حقی که زن نسبت به مهریه پیدا می‌کند از همین قبیل است. البته ممکن است مهریه، سفر حج، یاد گرفتن قرآن و مانند آن باشد که مال نیست، ولی غالباً مهریه‌ها جنبه مالی دارند. هم چنین حق زن نسبت به نفقه حق مالی است. در مقابل، اگر موضوع و متعلق حقی مال نباشد، آن را حقی غیر مالی به حساب می‌آوریم؛ حتی اگر آثار مالی داشته باشد. قیمت مرد که به موجب آن مرد بر همسرش حق اطاعت دارد و حضانت، از حقوق غیرمالی‌اند.

از حقوق مالی بین زن و شوهر، به روابط مالی نیز یاد می‌شود و حقوق‌دانان، روابط بین زوجین را به مالی و غیر مالی تقسیم می‌کنند. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که در روابط بین زن و شوهر، حقوق مالی غالباً از آن زن است و حقوق غیرمالی غالباً به شوهر تعلق دارد و به جز ارث مرد بر همسر خود، حق مالی دیگری ندارد. بنابراین می‌توان با اندکی مسامحه، روابط مالی زوجین و حقوق مالی زن را یکی پنداشت.^۲

در هر صورت، مهریه، نفقه، اجرت‌المثل، متعهد برای مطلقه، تنصیف دارایی که به صورت شرط ضمن عقد به امضای زوج می‌رسد و نیز بخشش اجباری (موضوع بند «ب» تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق)، در ردیف حقوق مالی زوجه قرار می‌گیرد.

حق مالی امتیازی است که حقوق هر کشور به منظور تأمین نیازهای مالی اشخاص به آن‌ها می‌دهد. یا در تعریف آن گفته شده است. حق مالی آن است که اجزای آن مستقیماً برای دارنده، ایجاد منفعتی نماید که قابل تقویم به پول باشد؛ مانند: حق مالکیت نسبت به خانه که مستقیماً برای دارنده آن ارزش پولی دارد و یا حق طلب که پس از ادا، قابل تقویم به پول می‌باشد. چنان که کسی از دیگری ده خروار گندم طلب دارد،

پس از ایفای تعهد آنچه به دست می‌آید ده خروار گندم است که قابل تقویم به پول می‌باشد. از ویژگی‌های حق مالی، آن است که قابل اسقاط و یا انتقال به غیر است. برای مثال، مالک خانه یا صاحب گندم می‌تواند آن را از طریق بیع، هبه و وصیت به غیر واگذار نماید و یا از آن اعراض کند. در مقابل، «حق غیر مالی، امتیازی است که هدف آن رفع نیازمندی‌های عاطفی و اخلاقی است.» و یا

۱ - شهنائی، خلیل، گستره حمایت قانون از نهاد خانواده، ۱۳۸۵، انتشارات دانشگاه الزهراء، ص ۴۲

۲ - موحیدیان، غلامرضا، پایا نامه حقوق و روابط مالی زوجین، تهران، ۱۳۸۷، ص ۵۰